

تأثیر فرهنگ ایران بر اندیشمندان عصر روشنگری

یادگاری ارزشمند از بانویی عدالت خواه و آزاده

مریم فیروز

ترجمه حامد فولادوند و کیانا مریم

با مقدمه حامد فولادوند

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: فیروز، مریم، ۱۳۸۶-۱۲۹۳.
عنوان و نام پدیدآور: تأثیر فرهنگ ایران بر اندیشمندان

عصر روشنگری، مریم فیروز
ترجمه: حامد فولادوند
مشخصات: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۳۳۳ ص، رقعی
شابک: ۹-۴۲-۸۶۸۷-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت: نمایه
یادداشت: کتابنامه

L' influence de la culture Iranienne sur
یادداشت: عنوان اصلی:

les ecrivains francais des Lumieres.

French literature, Iranian influences. موضوع: ادبیات فرانسه، تأثیر ایران.

نویسندگان فرانسوی، قرن ۱۷م، نقد و تفسیر. موضوع:

Authors, French, 18th century,

Criticism and interpretation.

نویسندگان فرانسوی، قرن ۱۸م، نقد و تفسیر. موضوع:

Authors, French, 18th century,

Criticism and interpretation.

Culture, Iranian, Influence.

فولادوند، حامد ۱۳۲۲، مترجم. موضوع: فرهنگ ایران، تأثیر

شناسه افزوده: شریفی، کیانا، ۳۴۱،
شناسه افزوده: Hamed, PIR3429, فولادوند، حامد ۱۳۲۲، مترجم.

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۸۰۸۴۰ رده بندی دیویی: ۹۹۴۴/۸۴۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تهران ۶۶۴۶۳

تأثیر فرهنگ ایران بر اندیشمندان عصر روشنگری

مترجم حامد فولادوند و کیانا شریفی

با مقدمه حامد فولادوند

اجرا: نشر تاریخ ایران طرح جلد: فریبا علایی

چاپ و صحافی: الغدير شابک: ۹-۴۲-۸۶۸۷-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول: ۱۳۹۸ تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست عناوین

۷	مقدمه
۳۵	رداشت‌های مقدمه
۳۹	فدایی‌ان: ایران یا پارس
۱۵۵	فصل دوم: نسخه‌های ایرانی
۲۹۵	پیوست: فرهنگ ایران، آیین مانوی و عصر روشنگری
۳۱۹	گفتار پایانی
۳۲۳	کتابشناسی
	عکس‌های از دوره‌های مختلف زندگی مریم فیروز
۳۲۷	فهرست اعلام

مقدمه

میری که به خواننده علاقمند تقدیم می‌کنیم رساله دکترای شادروان خانم مریم فیروز است، زنی متشخص، آزادی‌خواه و اهل فرهنگ.* او رساله خود را در دانشکده فلسفه شهر لایپزیگ^۱ تدوین کرد و در سال ۱۹۶۳ م. موفق به اخذ دکترا شد. باید توجه داشت که عنوان پژوهش ایشان تأثیر فرهنگ ایران بر آثار نویسندگان فرانسه عصر روشنگری است و شاید انتخاب این موضوع موجب شده که مدیریت دانشگاه آلمانی لایپزیگ اجازه دهد این رساله به زبان فرانسه نوشته و عرضه شود، به‌خصوص که صاحب رساله زبان فرانسه آلمانی در همان دانشگاه تدریس کرده بود. به هر ترتیب، هدف از نگارش این رساله دکترای معرفتی و تحلیل نوشته‌های مونتسکیو،^۲ ولتر^۳ و دیدرو^۴ در ارتباط با ایران است: هم مونتسکیو در نامه‌های ایرانی،^۵ ولتر در اثر دراماتیک مدراژد گبرها^۶ و هم دیدرو در مقالات دائرةالمعارف یا دانشنامه^۷ Encyclopédie^۷ سده ۱۸ میلادی و فرهنگ ایران زمین پرداختند و به گفته مریم فیروز برداشت‌های این سه نویسنده درباره ایران روی هم رفته بار مثبت داشته و آنان با ایرانیان کم‌تر به هم‌دلی کردند. در این پیشگفتار، نخست به مرور کردن رساله و نیز به انتقاد مریم فیروز می‌پردازیم و سپس در مورد مفاهیم و مضامین روشنگری،

* رجوع کنید به: یادداشت‌های پایان مقدمه.

1. Philosophischen fakultat Leipzig.

2. Montesquieu.

3. Voltaire.

4. Diderot.

5. Les lettres persanes.

6. Les Guèbres et la tolérance.

۷. رجوع کنید به: یادداشت‌های آخر مقدمه.

"منورالفکری" و جدال تجدد و سنت^۱ که در دوران قاجار و نهضت مشروطه به اوج می‌رسد پرسش‌ها و ملاحظات خالف زمانه^۲ مطرح می‌کنیم.

۱. قرن هجدهم عصر روشنگری اروپاست و دوران جدال جهان تجدد با دنیای سنت و با انحطاط سلسله صفویه و تسلط سرمایدازی غربی در شرق و جهان تطابق دارد. پرچم رشد و پیشرفت دست غرب می‌افتد و فرهنگ‌های چین و شرق نزول می‌کنند. زمانی است که نگاه حکوم قاجار جامعه ایرانی به سوی اروپا می‌رود و از هند و چین دور می‌شود. در قرن نوزدهم، بحث‌های سیاسی - اقتصادی روسیه و انگلستان در کشور تشدید می‌شود و نفوذ غرب در تمام روح پدیدار می‌گردد. دواگرش و خط فکری اساسی در میان حاکمیت و زندگان شکل می‌گیرد، یعنی بین بر تبر، دخواه و غرب‌گرا، دیگری پیرو دین و افکار سنتی. از آغاز قرن بیستم، در ایران نیروهای سروامخواه (کم و بیش) پیرو عدالت، تجددخواهی و ترقی (غربی) هستند و بیشتر مشروعه‌خواهان مدافع دین و سنت و نظام موجود (بومی). در مورد مفاهیم تجدد *moderne* و سنت *tradition* تعاریف و تفاسیر بسیاری عرضه شده ولی در کاربرد زوج تجدد - سنت مناسب‌تر است که بر وحدت این دوگانگی *dualite* تکیه شود تا برگشت و ثنویت‌مآبی *dualisme* مضامین آن. در این مآبی، مقوله تجدد به دوران مدرن و ارزش‌های (خرد باوری، آزادی و حقوق فردی، قانون‌مدانی و بیره) عصر روشنگری فرانسه اشاره دارد و منظور از سنت، میراث عقیدتی و اصولی منتقل و بازپخته شده گذشته است. جهان مدرن تقدم را به عقلانیت، انسان و فردیت می‌دهد، مآبیایی سنت بر محور خدا باوری، ایمان و امت استوار است. مفهوم مدرنیته *modernité* از دوره مدرن *moderne* منشعب شده و در قرن نوزدهم نویسندگانی چون بالزاک، شاتوبریان و رولین را، اوج دادند ولی نیچه در ارزیابی و نقد تجدد و سنت پیش‌گسوت بوده است. رک: نیچه، مجموعه آثار، به ویژه ملاحظات خالف زمانه *Considerations inactuelles*. اصولاً برداشت‌ها و رویکردهای ثنویت محور حاصل خیز نیستند و در مسائل توسعه و رشد پایدار کاربرد بیش تدریجی و تلفیقی (همسویی تجدد با سنت زنده) در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه امروزی نتایج بهتری برای مردم و کشورهای در حال تحول دارد. درباره تجدد و سنت رک آثار:

T. Adorno, W. Benjamin, A. Touraine, H. R. Jauss, G. Balandier, A. Giddens, Léo Strauss, D. Bourq,

۲. اصطلاح "خالف زمانه *unzeitgemas*" به معنای خالف افکار حاکم و عقاید زمانه، فراتر از نگرش‌های مرسوم (= دیدگاه آینده‌نگر) را از نیچه به وام گرفتیم.

۱. اندیشمندان عصر روشنگری و فرهنگ ایران زمین

۱.۱. ولتر^۱ (۱۶۹۴-۱۷۷۸)

نخست، مریم فیروز نگاهی به کل تاریخ ایران و نیز وضعیت اجتماعی فرانسه در قرن هیجدهم می‌اندازد و سپس به برداشت‌های اندیشه‌ورزان اروپای آن دوران می‌پردازد. او بررسی خود را با ولتر شروع می‌کند و می‌گوید که اطلاعات و شناخت ولتر از فرهنگ ما دقیق نبوده اما به جهان شن و ایران توجه داشته است: در مدارا نزد گبرها به وجود تساهل و تسامح میان زرتشتیان ایران باستان اشاره دارد و مانند کشیش گودن،^۲ مترجم سعدی و نویسنده ستاری در مورد قوانین پارسیان (چاپ ۱۷۸۹)، بینش و اخلاق زرتشت را نیز مطالعه کرده بود. مریم فیروز می‌افزاید که ولتر مدیون نوشته‌های ماضران خود (آنکتیل دوپرون،^۳ سفرنامه‌نویس‌ها) است زیرا آنها درباره سعدی، زرتشت، تاریخ ایران و سلسله صفویه سخن گفتند و سپس به بررسی بگرش ولتر می‌پردازد از دفاعیاتش در قضیه لاس کالاس^۴ (۱۷۶۳) برنستن مذنب و موضع‌گیری‌هایش برای تحقق مدارا و تسامح تا نوشته‌ها؛ سیزوتندش علیه دستگاه منحنط مسیحیت و خرافه‌پرستی که هر نوع تعصب دینی و تاریک فکری^۵ را محکوم می‌کند. در واقع، جمله مشهور و باخبرافات، تعصب و جهالت را نابود کنیم^۶ فریاد اعتراض‌آمیزی است علیه عقاید و رفتارهای ناشایست آدمیان دیروز و امروز. از دیدگاه خانم ولتر که خودش مورد ستم، تهمت و سرکوب قرار گرفته بود از مظلومان، ستم دیدگان و آزاداندیشان مدام دفاع کرده است. در بیشتر آشارس^۷ ماضیان آزادی، مدارا و تسامح یا انسان دوستی به تفصیل بیان شدند. مریم فیروز نکته

1. F. M Arouet, dit Voltaire.

2. Gaudin.

3. Anquetil du Perron.

4. Las Callas.

5. Obscurantisme.

6. "écrasons l'infâme"

7. Les Guèbres, La Henriade, Zadig.

مهمی را نیز مطرح می‌کند و می‌نویسد که در اغلب روایت‌های^۱ ولتر مکان‌ها و اسامی "شرقی" اند ولی طرح و مضمون داستان «غربی» است، یعنی موضوع روایت به جامعه فرانسه برمی‌گردد و هدف اصلی نویسنده انتقاد از وضعیت کشور و حکومت خودش است، توسل به جهان شرقی - ایرانی بیشتر وسیله و شگرد می‌باشد؛ مثلاً، در صادق^۲ نامه پیشگفتار با ضای سعدی^۳ و خطاب به سلطان بانو استر،^۴ به خانم پمپادور،^۵ زن ربابی و معشوقه لویی چهاردهم، اشاره دارد. در واقع، داستان صادق که ر کشور بابل می‌گذرد نقد جامعه و دربار فرانسه می‌باشد و همچنین روایتی ظاهر را شرقی «بابوک»^۶ یا «سیت‌ها»^۷ به حوادث و اوضاع فرانسه برمی‌گرداند می‌توان گفت که اندیشمند اهل روشنگری، شرق و ایران زمین را بهانه می‌کند تا راحت‌تر سانسور سلطنتی موجود را دور زند و عقاید و افشاسری‌های خود را بیان کند. از نظر ما، در پس شناخت آن دیگر^۸ و دنیا‌های شرقی، اهداف دیگری نیز نهفته است.^۹

۲.۱. دیدرو (۱۷۸۴-۱۷۱۳)

پس از ولتر، مریم فیروز به نوشته‌های دیدرو در "دانشنامه" توجه می‌کند، مقالاتی که او درباره زرتشت ربا اوستا، میترا، هورمزد یا

1. Contes.

2. Zadig.

3. sadi.

4. Steraa.

5. Pompadour.

6. Babouc.

7. Les Scythiens.

8. L' Autre

۹. درباره سفرهای فراینده اروپاییان در ایران دوران صفوی رک به: مقاله نگارنده این سطور در مجله پژوهشی زمان *revue Zamân*, 1/1979, pp. 95-109 و کتاب اخیر بنده.

H. Fouladvind, *La Perse à travers la camera occidentale*, l'Harmattan 2016

نیز رک:

J. Chaybany, *les relations de voyage et lav pensée française au 18^e siècle*, 1971;

G. Atkinson, *les Relations de voyage du 17^e siècle et l'évolution des idées* 1924;

Voltaire, *Essai aur les moeurs et les nations*.

10. Denis Diderot

اهریمن تحریر کرده و زمینه‌ساز تکفیر وی توسط فرقه یسویی^۱ شده است. اما در رساله دکترای حاضر نویسنده بیشتر به پیوند دیدرو و سعدی توجه می‌کند، زیرا متفکر فرانسوی با سعدی حکایت‌پرداز^۲ رابطه خاصی داشته، نوعی هم‌خوانی فکری یا همدلی: دیدرو می‌گوید که در این روح بزرگوار^۳ او خود را بازیافته و به همین خاطر دست به ترجمه آزاد آثاری مانند «گلستان» زده است. از نظر مریم فیروز، برای ترجمه «گلستان» دیدرو چهره درخشان عصر روشنگری که از دین‌باوری به بی‌دینی رسیده از متن لاتین دانشمند آلمانی بروکر^۴ بهره‌برده^۵ و بخش آغازین اثر را تحت‌الفظی و بخش دیگرش را نقل به مضمون کرده، یعنی بیشتر تئیس و بخش کرده و سپس در زبان فرانسه انتقال داده است. در واقع، حادثه کار تلفیق و ترکیبی است از افکار سعدی و دیدرو، نوعی برگردان که روح بسته صلیو را دارد، البته با کیفیتی کمتر. در این راستا، خانم فیروز سعدی دیدرو را با هم مقایسه می‌کند و می‌گوید که سعدی از سویی، مخالف اسبداد، حاکمان زورگو و روحانیون حيله‌گر و دورو است و از سویی دیگر، شاعر، انسان دوست^۶، در همین قسمت صاحب رساله شعر معروف «بنی آدم اسدی یخ‌دیگرند که در آفرینش از یک گوهرند» را به زبان فرانسه ترجمه می‌کند و برفردار مردمان ستم دیده است. او می‌افزاید که هم دیدرو، متفکر، فیلسوف، و هم سعدی، شاعر مسلمان، هر دو اهل زندگی، طنز و شوخی از انسانیت این که با تیزبینی و

1. Jésuite.

2. fabuliste-moraliste.

3. grand conte.

4. Brucker.

۵. پاره‌نوشه‌هایی از سعدی در اروپا ترجمه شد: نخست توسط ژانتیوس (1634) به Cr. tius زبان لاتین و سپس دو رایور Du Ryer به زبان فرانسه. بروکر J. Brucker خاورشناس آلمانی در Historia critica philosophiae (1766) برخی از متون سعدی را برگرداننده ولی گویا دیدرو تنها از بروکر استفاده نکرده است. رک: به رساله دکترای سال ۲۰۰۹؛

A. khanyabnejad, Sa'adi son oeuvre dans la littérature française du 17e à nos jours, Sorbonne Paris 3;

H. Massé, J. Hadidi

در مورد سعدی رک به پژوهش‌های:

6. humaniste.

زیرکی چهره پلید روحانیون سالوس و قدرتمندان ستمگر را افشا می‌کنند. اما مریم فیروز می‌افزاید که دید انتقادی شیخ سعدی شاعر "کلاسیک" دوران جنگ‌های صلیبی و شکوفایی فرهنگ اسلامی اساساً بر تقدیر و پذیرش وضع موجود^۱ یا سازش استوار است، در حالی که دیدرو نویسنده «مدرن» عصر انقلاب کبیر اهل مبارزه و تغییر نظام سیاسی موجود است. به زبان دیگر، برای ارزیابی درست نگرش آنان باید زمان و مکان را نیز در نظر گرفت، زیرا تاریخ و فرهنگ جوامع جهان نه تنها اثرات و همسانی دارند، بلکه حامل تفاوت و ویژگی اند. مثلاً، مریم فیروز نگرش امام سعدی و دیدرو را در مورد مقام زن بررسی می‌کند و می‌گوید که سعدی برای زن به عنوان مادر احترام قایل است، نگاهی ویژه که نزد دیدرو مشاهده نمی‌شود. شاید بتوان گفت که توجه دیدرو به آثار سعدی بیشتر جنبه سیاسی و عقیدتی داشته تا ادبی، یعنی متفکر دوران روشنگری با به کارگیری بن‌مایه خردمندانه، انتقادی و انسان محور موجود در "گلستان" می‌توانسته در پس حکایات حکیمانه «شرقی»، هم نظام سلطنتی پوسیده فرانسه، هم مسیحیت فرسوده و روحانیت سالوس زمانه را زیر سؤال ببرد. در واقع، از منظر دیدرو، دانش‌نامه‌نویس و ایدئولوگ^۲، آثار سعدی ابزار مناسبی برای پیشبرد آرمان‌ها و خواسته‌های عصر روشنگری و انقلاب کبیر^۳ فراهم‌آور و شکر نکتیم که سردار انقلابی کارنو^۴ نیز در جبهه جنگ اشعار سعدی می‌خوانده^۵ - می‌شود. این توسل به افکار و ادبیات برون‌مرزی و چنین کارکردی را در نهضت مشروطه ایران کم و بیش دوباره می‌بینیم.^۶

1. statut quo.

2. idéologue.

3. Carnot.

۴. حدیدی، جواد، از سعدی تا آراگون، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۰۴.

۵. در دوران قاجار و نیز مشروطه آثار ادبیات فرانسه (ولتر، مونتسکیو، میرابو، روسو، مولیر و غیره) به فارسی ترجمه یا تلخیص شدند. ادوارد براون می‌نویسد خیام ولتر اسلام است. در مورد دوران قاجار رک: به کتب و اسناد چاپ شده توسط م. نظام مافی (اتحادیه) در نشر تاریخ ایران و پژوهش‌های ی. آریان‌پور؛ فد. آدمیت و در حوزه ادبی:

۳.۱. مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵)^۱

در بخش دیگری از رسالهٔ دکترای خود، خانم فیروز به "نامه‌های ایرانی" مونتسکیو می‌پردازد و می‌گوید که پرسش «چگونه می‌توان ایرانی بود؟» نشانگر ناآشنایی و عدم شناخت اروپائیان قرن هجدهم مرحله آغاز شرق‌شناسی^۲ و سلطه سرمایه‌داری در جهان شرقی و ایرانی است، نادانی‌ای که به گفته مریم فیروز همچنان ادامه دارد زیرا مردم جهان غرب امروز هنوز تصور "هزار و یک شب" گونه از شرق و ایران دارند. از نظر خانم فیروز، در این نوشته جذاب مونتسکیو هم نظام شاهی مطلقه فرانسه و هم «استبداد شرقی»^۴ را نقد می‌کند. البته، انتقاد از شرق

C. Balaÿ, M. Cuypers, *Aux sources de la nouvelle persane*, (Paris 1983; E. G. Browne, *a literary history of Persia*, Cambridge, 1930; R. G. History of Iranian literature 1968;

۱. پارسی‌نژاد، روشنگران ایران، نقد ادبی، تهران ۱۳۸۰؛ عصر قاجار دورهٔ فرنگی‌مآیست و درباریان اصلاح‌طلب و غرب‌مآب، زیگان روشنفکران مشروطه‌خواه (شاهزاده طاهر میرزا، ذکاالملک، اعتمادالسلطنه، رضاقلی‌خان هدایت، آخوندزاده، حاجی مراغه‌ای، ملک‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، مستشارالدوله، جمال‌الدین اسدآبادی و نیز دهخدا، جمالزاده و تقی‌زاده) با فرهنگ فرانسه و اندیشمندان اروپا کم و بیش آشنایی داشتند، به ویژه که از اواسط قرن نوزدهم مدارس خارجی و فرهنگ‌هایی همراه آن در کشور گسترده می‌شود و نسل جوان و تحصیلکرده با «فرنگی‌ها»، پهنون و تاجران و انقلاب فرانسه کاملاً بیگانه نیست. رک:

H. Nategh, *les français en Perse*, chap.1, l'Harmattan, 2014.

1. C. L. de Montesquieu, *le baron de Montesquieu*.

2. *orientalisme*.

رک: ادوارد سعید، شرق‌شناسی، شرقی که غرب آفرید، ترجمهٔ ح. فولادوند، خ. خاکی، نشر

H. Fouladvind, *La Perse...*, op. cit.

عطایی، ۱۳۶۱؛ نیز رک:

3. *monarchie absolue*.

4. *despotisme oriental*.

خواننده باید توجه داشته باشد که مفهوم "استبداد شرقی" ایدئولوژیکی است و ریشه آن به جنگ‌های میان ایران (= بربر و مستبد) و یونان (= متمدن و دموکرات) دوران باستان برمی‌گردد. این مفهوم کاذب در عصر روشنگری برای نقد نظام سلطنتی فرانسه یا توجیه نماد استعمار و چپاول شرق به کار می‌رود، یعنی در واقع، متفکران از "شرق" (= نماد بربریت و

و ایران بر اساس شناختی کلی و محدود مونتسکیو از متون یونانیان دوران باستان و سفرنامه‌های موجود که مطالعه کرده صورت گرفته، یعنی او ترکیبی داشته از داده‌های مفید و اطلاعات درست همراه با برداشت‌ها و قضاوت‌های کاذب. در این قسمت، کار مریم فیروز بررسی دقیق «نامه‌های پارسی» است ولی پیش از آن، خلاصه این داستان مشهور را برای خواننده شرح می‌دهد: «دو سیاح ایرانی که به اروپا و نیز فرانسه آمده‌اند با نزدیکان و زنان و افراد حرم خود مکاتبه می‌کنند تا از اوضاع و احوال خانواده و زنان حرم سرای خود باخبر شوند و نگرانی‌هایشان رفع گردد». روایت مونتسکیو بیشتر بر پایه سفرنامه مستند ژان شاردن^۱ تدوین شده. نویسنده پرستان مذهب که می‌کوشد تصویری از جامعه شرقی و مردم ایران ترسیم کند تا خواننده فرانسوی بتواند با جامعه خود به مقایسه و ارزیابی دست زند. مونتسکیو بافت روایت «نامه‌های ایرانی» را بر اساس جدال میان سه نیرو تقسیم‌بندی می‌کند: مرد سرکوبگر و مستبد، زن سرکوب شده، خواجگان سلول به رحم. او به قدرت خواجه‌های حرم‌سرا که زندگی‌شان به حراست از سرکوبی زنان حرم تلف می‌شود

ظلم) استفاده ابزاری می‌کند. آنکتیل - دوپرون (Anquetil-Duperron) خاورشناس فرانسوی، در اثرش و *Législation orientale* نظریات مونتسکیو، و P. Rychaut و ویلیام جونز W. Jones درباره «شرق مستبد و بی‌قانون» رد می‌کند. هرن، اند، مارکس Marx سپس ویتفوجل Wittfogel برای تدوین نظریه «شیوه تولید آسیایی» این مفهوم کاشف را نیز به کار خواهند گرفت. رک به منابع برگزیده زیر:

A. H. Anquetil Duperron, *législation orientale* 1778; Stelling-Michaud, *Le mythe du despotisme oriental*, 1960; R. Koebner, *Despotism*, 1951 *Europe des lumières et le monde musulman*, 2006; A. Grosrichard, *Structure du Sérail*, 1979; H. Fouladvand, *La Perse à travers la camera obscura ...op. cit.*

1. Jean Chardin.

خواننده به سفرنامه شاردن و منابع زیر رک:

J. Chardin, *Voyages en Perse*, 1711, 7vol.; D. Van der Cruysse, *Chardin le Persan*, Fayard, 1998; G. Stroumsa, *A New science :the discovery of religion in the age of reason*, Harvard, 2010.

می‌نگرد و در نامه نهم شیوهٔ روانشناختی را برای درک این موجودات معلول و ناکام به کار می‌گیرد و به ما می‌گوید که در میان این جماعت سنگ دل، گاهی خواجه‌ای اهل دانش و علم نیز می‌یابیم. اما به طور کلی، نویسنده خواجه‌ها را بی‌رحم و پست می‌شمرد چون آنان در عمل، زندانبان و جلاد دختران و زنان حرم هستند (نامه ۳۴). البته، مریم فیروز می‌افزاید که ارباب حرم از خواجه‌اش بی‌رحمتر است زیرا ناتوانی جنسی خواننده را به ستمگری کشانده، در حالی که اربابش هیچ توجیه و عذری ندارد. ضمن، مریم فیروز که به مسئله زن توجه ویژه‌ای دارد می‌نویسد که «ونتسکیو از زن اروپایی ایرادهایی می‌گیرد و برای زن ایرانی دلسوزی می‌کند» (نامه‌های ۳۸ و ۳۹) (غیره)

بی‌تردید، «نامه‌های ایرانی» به خوبی جهانبینی و آزاداندیشی مولف کتاب روح‌القوانین را آشکار می‌کند زیرا از مضامین آزادی و حقوق زن و مرد دفاع می‌کند و رحمت می‌دیند که زن شرقی برده شاهزده‌ها و اسیر خواجه‌های حرم‌سرا باشد. حتی وونتسکیوی نجیب‌زاده^۲ به رفتار متین و شرم و حیای زن ایرانی اشاره می‌کند و از برخی کردارهای ناشایست یا جلف زن غربی انتقاد می‌کند (نامه‌ها ۲۶، ۳۶، ۳۸ و ۳۹). او از غرور و آزادی‌خواهی رکسان نیز ستایش می‌کند و با ترسیم چهره زن شجاع ایرانی نمونهٔ شایستگی و کرامت را برای زن شرقی می‌سازد.

۲. نقد نظریات سه متفکر عصر روشنگری

نویسندهٔ رساله که سال‌ها در برابر استبداد، بی‌عدالتی و تبعیض مبارزه کرده طرفدار افکار پیشرو سه اندیشمند فرانسوی است^۳ علی‌رغم علاقه و ارادتی که او به ولتر، دیدرو و مونتسکیو دارد، نکات زیر نقد

1. L' esprit des lois.

2. j. Erhard O, C. Société' Montesquieu

J. Starobinski, Montesquieu par lui-même, Seuil 1953; J. M. Goulemont, Histoire littéraire de la France t. 3 H. Starobinski, 211-234 éd. Sociales, 1975.

۳. برای سوابق و فعالیت‌های خانم مریم فیروز رک: یادداشت‌های پایان پیشگفتار.

نوشته‌ها و عقاید آنان مطرح می‌کند: نه تنها ایراداتی به منابع آنها می‌گیرد، بلکه از منظر یک زن ایرانی تصاویر و دیدگاه‌های کاذب موجود در سفرنامه‌ها را زیر سؤال می‌برد.

۱.۲. نقد منابع و برداشت‌های عصر روشنگری

نخست، خانم فیروز نکته مهمی را مورد توجه قرار می‌دهد: اروپائیان آن عصر به مانند ولتر و دیدرو اسلام را با اعراب یکی می‌پندارند و این تصور و برداشت اشتباه موجب شد که نقش اساسی ملل و فرهنگ‌های غیر عرب در تاریخ تمدن اسلامی محو یا نفی شود. برای آشکار کردن این واقعیت، مریم فیروز بر کتاب مقدمه ابن خلدون تونسلی - مونتسکیو مسلمانان، به گفته خاورشناس آلمانی فن هامر^۱ - و پژوهش‌های خاورشناسان شوروی سانه و نیز دانشمند مصری احمد امین - نویسنده کتاب سیده دم اسلام با مقدمه طه حسین - تکیه می‌کند و به تأثیر و نقش ایرانیان در شکل‌گیری تمدن اسلامی و همچنین جنبه بدوی و بافت قبیله‌ای اولین جامعه مسلمان در شبه‌جزیره عربستان اشاره می‌کند. در تأیید مریم فیروز می‌توان گفت که آثار و منابع موجود (از زمان ابن خلدون تا قرن بیستم) نه تنها تأثیر ژرف فرهنگ ایرانی (در اغلب زمینه‌های ادب و شعر، موسیقی و هنر، علوم و فنون و فلسفه علی‌البدل) بر جهان اسلام و اعراب را نشان می‌دهند، بلکه فقدان آگاهی و متذکر فرانسوی در این زمینه را ثبت کرده‌اند.^۲

سپس، مریم فیروز به سفرنامه مشهور شاردن که بیشتر تفکر آن قرن هجدهم به آن استناد می‌کنند^۳ اشاره می‌کند و نگرش و واقع‌بینی او را -

1. Von Hammer Purgstall (که مترجم دیوان حافظ نیز بود).

۲. درباره نقش اساسی ایرانیان در تدوین فرهنگ اسلامی مراجعه کنید به آثار علی مظاهری، هانری کربن و غیره. ابن خلدون، مونتسکیو جهان اسلام، در این زمینه پیش‌گوت بوده است.

3. J. Chaybany, Les relations..., op. cit.; H. Fouladvind, La Perse..., op. cit.; Paul Vernière, Lumières ou clair-obscur, éd. Puf 1987; notes sur les voyages de Chardin dans les Lettres persanes de Montesquieu, éd. Garnier 1960.

مانند علاقه ایرانیان به علوم علی‌رغم خرافاتی بودنشان، وجود آداب و رسوم انسانی و وجود امنیت و مدارا در کشور و غیره - مورد ستایش قرار می‌دهد. اما، گفته‌های سیاح فرانسوی را درباره زن ایرانی نمی‌پذیرد زیرا شاردن مقام او را به زن حرم‌سرا شاه و درباریان تقلیل داده است. خانم فیروز از تصویر کاذب و همگون‌ساز زن حرم‌سرای - ابزاری برای لذت جنسی، موجودی بی‌مغز، تن‌پرور و هوس باز - که توسط سفرنامه‌ها در دوران روشنگری پخش می‌شود و در افکار اروپاییان جا می‌افتد انتقاد می‌کند و می‌نویسد که زن اصیل ایرانی (از دیروز تا امروز) خانواده دوست، مدبر و زحمتکش است و با زن سفرنامه‌های غربی تفاوت فاحش دارد. در نره گ کهن و مردسالار ایران زمین زن از جایگاه خاصی برخوردار بود. به ویژه به عنوان مادر بسیار احترام داشته است. پادشاهان کشور زن و دم اصولاً نگاه نمی‌کردند - برخلاف شاهان اروپایی که بسیار نگاه می‌کردند! - و حتی در داخل دربار زنانی بودند که سمت و نفوذ سیاسی داشتند. مرم فیروز به پری‌خان خانم، دختر شاه طهماسب و مادر شاه عباس اشاره می‌کند. نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان زن ایرانی را به عروسک حرم و ابزار سرگشایی مردان خلاصه کرد چون او برای دستیابی به آزادی‌ها و حقوق خود مدارا جنگیده است. البته، خانم فیروز به نقد جامعه مردسالار شرقی و مردسالار دین‌دوست و آبرو نزد مرد ایرانی نیز می‌پردازد و زن‌ستیزی معاصر را زیر سؤال می‌برد: از منظر نویسندگان رساله، هنوز زنان ایرانی گرفتار به پیرو بی‌سواد و مردسالاری حاکم هستند و او نمونه پیرزنی را می‌آورد که برای پاک کردن آبروی بی‌آبرویی پسر و خانواده خویش حاضر می‌شود عروسی را با چاقو بکشد. مریم فیروز می‌افزاید که این عمل وحشیانه از سویی، نتیجه باورهای کهن سنتی و از سوی دیگر، فقدان قوانین مناسب (زمان سلطنت پهلوی)، به ویژه قانون جزا ۱۷۹ ایران که حتی با متن قرآن کریم (سوره نوزده) در تضاد است. در ضمن، او نگرش‌های مردسالارانه و سنن کهنه حاکم بر ازدواج زن و نیز "معضل" بکارت را به نقد می‌کشد. برای تکمیل سخنان انتقادی خود، خانم فیروز به خود اثر روح‌القوانین مونتسکیو و پژوهش نصراله

فلسفی، زندگی شاه عباس و نیز تاریخ ایران، اثر جان ملکم،^۱ مراجعه می‌کند تا به بررسی نقادانه "نامه‌های ایرانی"^۲ بپردازد. او با برگزیدن برخی از نامه‌ها، مسائل تاریخی و مطالب گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهد: خرابی‌ها و لطمه‌های ناشی از تهاجم اعراب به ایران؛ وجود کاست^۳ و تبعیض طبقاتی در دوران پیش از اسلام؛ شکل‌گیری قشر «نجبای» سید پس از اسلام؛ اعتقاد شیعیان به امام زمان که قرار است بیاید و عدالت و روبری را در جهان ایجاد کند؛ علاقه ایرانیان به دین و نقش مهمی که قرآن کریم در زندگی روزمره آنها داند؛ وجود و تداوم باورها و اعتقادات دینی در میان مل و اقوام دنیای مدرن (امروز در کشور ولتر و دیدرو جمعی از فرانسورها هنوز به شهر لورد^۴ برای زیارت می‌روند)... و غیره. به طور کلی، مریم فیروز کوشش کرده نگاه انتقادی به منابع و برداشت‌های اندیشمندان و نویسندگان عصر هجدهم بی‌اندازد و رساله حاضر توانسته کم و بیش تاریخنگاری مدرن^۵ را در دفاع و بازشناسی فرهنگ ایران به کار گیرد. بی‌تردید، در تحریر این هدف نیکار پیشرو سه متفکر عصر روشنگری و نیز ایران‌دوستی حامی فیروز نقش به سزایی ایفا کرده‌اند.

۲.۲. «منورالفکری» و ایران دوستی نو: سه رساله

از نظر مریم فیروز، هر سه متفکر فرانسوی پرو خرد و عقلانیت، منتقد دین و خرافات و مخالف بی‌عدالتی و استبداد و ول در نگاه آنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود: محور رویکرد ولتر مسائل و مدارای

۱. ن. فلسفی، زندگی شاه عباس، ۱۳۳۴؛ جان ملکم (اسکاتلندی)، تاریخ ایران، ۱۸۱۵.

۲. نیز رک: Les Lettres persanes, introduction de P. Vernière, Garnier 1960.

3. caste.

4. Lourdes.

۵. نیچه در ملاحظات خلاف زمانه، سه نوع تاریخنگاری (عظمت‌خواه monumentale، سنتی traditionnelle و انتقادی critique) را مد نظر دارد و خانم فیروز بیشتر تاریخنگاری انتقادی را به کار می‌گیرد، نگرشی مدرن.

6. Histoire littéraire de la France, op. cit., t. 3 pp. 211-249, 502-521;

B. Groethuysen, op. cit.

عقیدتی^۱ است، دیدرو بیشتر بر اعتراض به دستگاه مسیحیت و نظام سلطنتی تمرکز می‌کند و مونتسکیو خواستار استقرار قانون و حقوق شهروند است.^۲ مریم فیروز، همانند اغلب روشنفکران و فعالان سیاسی قرن بیستم، آرمان‌ها و عقاید خود را با آثار و افکار این سه ایدئولوگ^۳ کم و بیش تغذیه کرده، زیرا او نظیر زبندگان و فرزندان آن دوران فرانسه زبان است.^۴ فراموش نکنیم که از اواسط سلطنت قاجار (و تأسیس مدرسه دارالفنون (Polytechnique) تا نهضت مشروطه (با گسترش مدارس دینی و غیر دینی فرانسوی در ایران) و تداوم ترجمه آثار نویسندگان فرانسه (میان جنگ اول و دوم جهانی و حتی پس از آن) نفوذ زبان و ادبیات فرانسه در میان تحصیل‌کردگان طبقات حاکم، دولت‌مردان یا دیوانسالاری کشور قابل ملاحظه است. چه‌مانطور که پیشتر گفتیم، خواننده رساله متوجه می‌شود که علاوه بر داشتن بنش و موضع «منورالفکری»، خانم فیروز شخصیتی است ایران‌دوست که علاقه و وابستگی خود را به فرهنگ و ملت خویش در نوشته حاضر نشان می‌کند. او از طرفی، نشان می‌دهد چه توجه و احترامی این سه متفکر نهضت عصر روشنگری - چندین بار

۱. (مدارا و تحمل عقاید و باورها) Tolérance.

۲. رک همان آثار و:

G. Mairet, les doctrines du pouvoir, éd. Idées, 1978, chap. 18.

۳. idéologue.

ولتر، دیدرو، مونتسکیو و روسو ایدئولوگ‌های انقلاب فرانسه محسوب می‌شوند.

۴. francophone.

در این مورد رک:

H. Nategh les francais..., op. cit; H. Fouladvind, Qui apprend le français en Iran?; Zevue loqman, 1, 1992, pp. 23-30

چه به ویژه از دوران جمال‌الدین اسدآبادی و بحث و جدل‌های او با ارنست رنان (E. Renan). رک: ک. مجتهدی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و تفکر جدید، نشر تاریخ ایران،

۱۳۵۸؛

H. Nategh, Islam moderne, Djamal-ed-in Assad Aabadi, Maisonneuve-larose, 1969.

نیز به گوته،^۱ شاعر برجسته آلمانی و حافظ دوست و نویسنده «دیوان غربی - شرقی» و «مکالمات با اکرمین»^۲ اشاره می‌کند. برای تاریخ، تمدن، دین باستانی ایرانیان و نویسندگان بزرگ کشور ماقائل بودند و از طرف دیگر، او برداشت‌های کاذب زبندگان اروپای قرن هجدهم را تصحیح می‌کند تا تصویری شفاف‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت از مردم تاریخ‌ساز ایران ترسیم شود. مثلاً زمانی که ولتر از مدارای دینی ایرانیان سخن می‌راند یا رفته مونتسکیو همدلی خود را با زرتشتیان، اخلاق و رسوم آنان - او حتی سنت ازدواج با محارم را توجیه می‌کند - ابراز می‌دارد، مریم فیروز دیدگاه و برداشت منفکران فرانسوی را بازگو می‌کند، اما می‌افزاید که ایران باستان نه بی‌سنت بوده، نه کشور مدارا و صلح و تنها آزادی نسبی ادیان وجود داشته است. خانم فیروز، برای آگاهی بیشتر خواننده اروپایی از تاریخ ایران، با تکیه بر نوشته‌های تقی‌زاده و خاورشناس شوروی (سابق) دیاکونوف،^۳ مطالبی در باره نهضت اجتماعی مانویان، گسترش دین مانی تا چین و اروپا در زمان ساسانیان و سرکوب پیروان مانی - ولتر و دیدرو کتاب دو جلدی بوسویر^۴ در مورد مانویان را خوانده‌اند - عرضه می‌کند. اما، لازم است در اینجا، درباره عصر روشنگری^۵ و آرمان‌هایش آزادی، برابری، خردباوری، قانون‌مداری) بیشتر تأمل کنیم زیرا از زمان مشروطه تا نسل خانم فیروز اغلب زبندگان و روشنفکران ایران نسبت به این عصر توجه یا شیفتگی نشان دادند و سعی داشتند این باورها و عقاید که زمینه‌ساز انقلاب فرانسه شدند اقتباس کنند.^۶

1. Goethe.

2. Eckermann. Conversations avec Eckermann. رک:

3. Diakonov.

4. Beausobre.

Histoire du manichéisme, 1734

رک: اثر انتقادی بوسوبر به جنبش و دین مانی:

5. siècle des Lumières.

۶. رک: فرهنگ دهخدا و مجلات دوران مشروطه؛

Y. Shahibzadeh, Islamism and post-islamism in Iran

intellectual story, p.11, Oslo/Palgrave 2016.

و نیز: